

زاون قوکاسیان، آدم خوب سینمای ایران

زاون قوکاسیان، در سال ۱۳۲۹ در اصفهان به دنیا آمد و از دانشگاه همین شهر، در رشته شیمی فارغ التحصیل شد، اما از همان جوانی سینما را برگزید. در سال ۱۳۵۰، فیلمسازی را با فیلم های کوتاه ۸ میلی متری در سینمای آزاد آغاز کرد و چند فیلم کوتاه، مستند و داستانی ساخت از جمله: در فلق، عروس کهن، فصلی دیگر، نقش خیال، خاج شویان و همه فرزندان من. مدتی نیز سرپرست سینمای آزاد اصفهان بود.

کار تک نگاری درباره فیلم ها و کارگردانان و هنرپیشه های سینمای ایران را در چهار دهه بعد ادامه داد و ۲۴ عنوان کتاب درباره سینماگرانی از جمله بهرام بیضایی، عباس کیارستمی، بهمن فرمان آرا، مسعود کیمیایی، خسرو سینایی، مسعود جعفری جوزانی، فاطمه معتمد آریا، ارحام صدر، گلاب آدینه و لرتا تالیف و منتشر کرد و کتابی در مورد فرخ غفاری در دست داشت که روی تخت بیمارستان مشغول تصحیح آن بود. سردبیر فصلنامه ها و ویژه نامه های مختلف ادبی و فرهنگی و مدیر اجرایی و همچنین داور جشنواره های بین المللی ارمنستان، ایتالیا، اتریش و ایران بود. او در دانشگاه های سوره تهران و سپهر اصفهان تدریس می کرد.

از مشخصات بارز دوست نازنینم زاون این بود که دانشش را از کسی دریغ نمی کرد. کتابخانه ای که امروز در غربت دارم با کتابهایی که او از ایران آورد یا فرستاد متولد شد و رشد کرد. زاون به این هم قناعت نکرد. با پشتکار، دعوا، نصیحت تصمیم گرفت مرا به نویسندگی و مترجمی بکشاند. هر بار بهانه ای برای از زیر کار در رفتن آوردم، خستگی از کار اداری، زمستان های طولانی و سرد، افسردگی ناشی از زندگی در غربت، اما هیچکدام نتوانست بر خواسته زاون غلبه کند و انقدر گفت و غر زد و گفت و غر زد که دست به کار شدم. با همت زاون امروز وقتی که به کتابهایم که همه با پی گیری او نوشته و به چاپ رسیده نگاه می کنم می بینم که بدون داشتن دوستی مثل او هرگز نه مترجم می شدم، نه مقاله نویس و نه داستان سرا.

زاون انسان منصفی بود. حتی در مواردی که با آن قلبا موافق نبود شرایط هنرمند را در نظر می گرفت و آگاهانه با توجه به شرایط تاریخی و اجتماعی آنها را مورد نقد قرار می داد.

بسیاری از ما دوست داران زاون هر سال با نزدیک شدن به ماه اکتبر، ماه فستیوال سینمایی وین، در انتظار آمدن او و تجدید دیدار بودیم. زاون با خود دوستی و محبت می آورد. انسانی که تشنه شنیدن و دیدن و خواندن آثار هنری بود و در این راه خستگی ناپذیر. زاون انسانی بود با قلبی پر محبت به بزرگی تمام دنیا و روحی شکننده به نازکی حباب.

روز جمعه بیستم فوریه بسیاری از برنامه های فارسی زبان برنامه اشان را قطع کردند و خبر در گذشت زاون قوکاسیان را منتشر کردند. زاون قوکاسیان، منتقد، مدرس و فیلمساز ایرانی، جمعه اول اسفند در ۶۴ سالگی در پی ابتلا به سرطان معده، در زادگاهش اصفهان درگذشت. جسم بیماری که در ماه های گذشته با رنج بیماری همچنان لبخند بر لب داشت. او به ایرانی و اصفهانی بودنش افتخار می کرد و چقدر خوب که او اصفهانش را باز یافت و اصفهان زاونش را.

اگر باور کنیم که هر موجودی که پا به این دنیای بی کران می گذارد دلیلی برای آمدنش وجود دارد، مروری بر زندگی زاون دلایل آمدنش را توجیه می کند. انسانی بی ادعا، با عاطفه، شریف، درستکار و فعال که آنچه در توانش بود برای سینما و ادبیات ایران انجام داد. انسانی عاشق که از

تماشای معشوقش لذت می برد، او از تماشای موفقیت کسانی که برایشان قدمی برداشته بود شادمان می شد.

ویدا مشایخی

28 فوریه 2015